

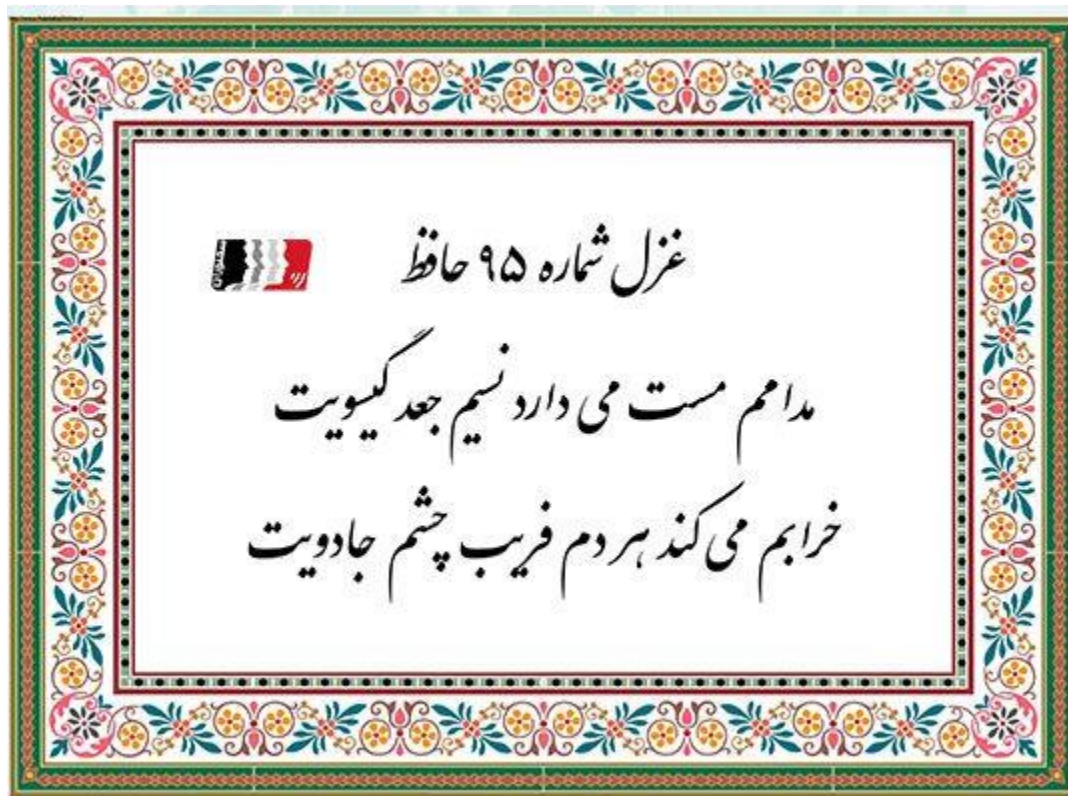
متن، معنی، شرح و تفسیر غزل شماره ۹۵ حافظ

مدامم مست می دارد نسیم جعد گیسویت  
خرابم می کند هر دم فریب چشم جادویت

غزل ۹۵ حافظ با مدامم مست می دارد نسیم جعد گیسویت آغاز می شود. وزن غزل مدامم مست می دارد ، مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن (هزج مثنیٰ سالم) می باشد. در ادامه می توانید متن کامل غزل و همچنین معنی لغات و شرح و تفسیر ابیات را مشاهده کنید. شرح و تفسیر برگرفته از کتاب شرح سودی بوسنوی بر حافظ ترجمه دکتر عصمت ستارزاده می باشد.

آنچه در ادامه می خوانید:

- ۱- متن غزل
- ۲- شرح و تفسیر غزل
- ۳- معنی غزل و لغات



متن غزل ۹۵ حافظ

مدامم مست می‌دارد نسیمِ جَعْدِ گیسویت  
خرابم می‌کند هر دم، فریبِ چشمِ جادویت  
پس از چندین شکیبایی، شبی، یا رب! توان دیدن  
که شمعِ دیده افروزیم در محرابِ ابرویت؟  
سَوَادِ لَوْحِ بینش را عزیز از بهرِ آن دارم  
که جان را نسخه‌ای باشد ز لَوْحِ خَالِ هندویت  
تو گر خواهی که جاویدانِ جهانِ یک سر بیارایی  
صبا را گو که بردارد زمانی بُرُقِعِ از رویت  
و گر رسمِ فنا خواهی که از عالمِ براندازی  
برافشان تا فروریزد هزاران جان ز هر مویت!  
من و بادِ صبا، مسکینِ دو سرگردانِ بی‌حاصل،  
من از افسونِ چشمت مست و او از بویِ گیسویت  
زهی هَمَّتْ که حافظِ راست! از دنیا و از عُنْبَا  
نیاید هیچ در چشمش بجز خاکِ سر کویت

#### شرح و تفسیر غزل ۵ حافظ

مدامم مست می‌دارد نسیمِ جَعْدِ گیسویت  
خرابم می‌کند هر دم، فریبِ چشمِ جادویت

مُدام: شراب. اینجا به معنای همیشه است.

نسیم: بوی خوش

جَعْدِ: [ج] درهم پیچیده. زره. شکن. شکنج. مجعد. موی پیچیده. موی شکسته

گیسو: موی درازی که از دو جانب سر کشیده باشد و این غیر از زلف است

خراب: اینجا به معنای مست لایعقل است، بدمست

فریب [ ف / ف ] طلسم را هم میگویند چه فریب گاه جایی باشد که در آنجا طلسم بسته باشند. طلسم جادویی چشمانت

معنی بیت: همیشه از عطر خوش موی مجعد و تابدارت مست و بی هوش می شوم و طلسم جادویی چشمانت مرا دیوانه می کند و مانند کسی که مست لایعقل است عقل و هوشم از دست می رود.

---

پس از چندین شکیبایی، شبی یا رب توان دیدن

که شمع دیده افروزیم در محراب ابرویت

چندین شکیبایی: صبر فراوان

شمع دیده افروزیم: اضافه تشبیهی است و کنایه از چشمان به دیدار جمالت روشن شود

محراب: [ م ] طاق درون مسجد که به طرف قبله باشد چون طاق مذکور آلت حرب شیطان است لهذا محراب نام کردند.

معنی بیت: پس از مدت ها صبر و شکیبایی و فراق و دوری، خدایا کی می شود که دیده ما به دیدار جمال و وصال یار روشن شود.

---

سَوَادِ لَوْحِ بَیْنِش را عزیز از بهر آن دارم

که جان را نسخه ای باشد ز لَوْحِ خَالِ هِنْدُویت

سَوَادِ لَوْحِ بَیْنِش: سیاهی مردمک چشم

خال هندو: خال سیاه

لوح: هر چیز پهن را مانن پیشانی، تخته، سنگ و یا نوشته گویند

نسخه ای: مثال، مانند

معنی بیت: سیاهی مردمک چشم از آن جهت برایم عزیز است که مانند خال سیاه چهره توست.

---

تو گر خواهی که جاویدان جهان یگسَر بیارایی  
صبا را گو که بردارد زمانی بُرُقِع از رویت

جاویدان جهان: دنیای ابدی و ازلی

یگسَر: یکباره . سراسر

بیارایی: فعل امر مخاطب از آراستن . آرایش کردن . منقش کردن . زینت و زیور کردن

صبا: باد صبا که پیام آور بین عاشق و معشوق است

گو: فعل امر مخاطب از گفتن، بگو

برُقِع [ :بُ قُ / بُ قُ ] روی بند زنان . روپوش . پرده و حجاب و روبند

معنی بیت: اگر یکباره قصد آرایش و زیور و زینت جهان ابدی و ازلی را داری، به باد صبا بگو که حجاب از چهره ات بردارد. مراد آنکه زیبایی چهره ات، آرایش جهان است. حاصل کلام آنکه همه زیبایی جهان در چهره توست.

---

و گر رسم فنا خواهی که از عالم براندازی  
برافشان تا فروریزد هزاران جان ز هر مویت!

فنا: نابودی، تباهی

براندازی: برچینی، از بین ببری

برافشان: بتکان

معنی بیت: اگر قصد داری که رسم و سنت فنا و نابودی را از جهان برچینی و از بین ببری، موهابیت را افشان کن که از هر مویت هزاران جان و روح عاشق پدیدار می شود. خلاصه کلام آنکه هزاران عاشق، کشته بوی خوش گیسوی مجعد تو شده اند و جان و روحشان در گیسوان تو است. تکانی بده و توجه و عنایتی به آنها کن که هزاران عاشقت بدان زنده شوند.

---

من و بادِ صبا، مسکینُ دو سرگردانِ بی حاصل،  
من از افسونِ چشمت مست و او از بویِ گیسویت

مسکین: بی چیز، فقیر، تهیدست

سرگردان: آواره

بی حاصل: بی فایده، بیهوده

افسون: سحر، جادو

معنی بیت: من و باد صبا، هر دو آواره و سرگردان یار و معشوق هستیم. هر دو در مسکینی و مستانگی مانند همیم. هر دو مسکینیم چرا که در فراق وصال جانان می سوزیم و هر دو مستیم، من از سحر و طلسم چشمان یار مستم و باد صبا از عطر خوش گیسوان یار مست است.

---

زهی همت که حافظ راست از دنیی و از عقبی  
نیاید هیچ در چشمش بجز خاکِ سر کویت

زهی: [ ز ] (صوت) ادات تحسین. آفرین. احسنت. کلمه ٔ تحسین است

عقبا: [ ع با ] پاداش کار و حق. آخر کار. آخر هر چیزی. سرانجام. مراد آخرت است در مقابل دنیا

معنی بیت: احسنت و آفرین به اراده حافظ که از دنیا و آخرت جز عشق یار به چیز دیگری نمی اندیشد

---

نویسنده: دکتر زند